



حرکت روی خط امام

«... روحانیت قشری برای جلب نظر امام، بهر کاری که ممکن شود دست میزند - فی المثل در میان شعارهای انقلابی که بر در و دیوار وزارتخانه‌ها و ادارات نصب شده، خیلی رندانه، یکی دو حدیث جعلی هم قالب میزند، که شهر قم شهری نظر کرده است و مردمش در زمان ظهور حضرت ولی عصر، مهدی قائم (عج) همه بخشوده میشوند و اصولاً حرکت از این شهر آغاز میگردد. طوری موضوع پروریده میشود که اذهان مردم ساده و زودباور امام خمینی و حضرت قائم (بلاشبیه) را یکی می‌پندارند.

- همچنین با مهارت تاریخ هجرت امام عنوان میگردد و طوری مطلب گردانده میشود که شباهتی بین هجرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه و هجرت امام خمینی از عراق به فرانسه چون هر دو با فتح و ظفر قرین بوده، به ذهن متبادر گردد -

بالاخره روز همبستگی امام‌واست را اختراع میکنند، غافل از اینکه این همبستگی یادآور انقلاب شاه و ملت است که هنوز سامعه انسانرا رنج میدهد - اینها نمی‌فهمند که ردپایشان در آنجاها که بوده اند هنوز برجاست و آبشخور ایشانرا صاحب نظران می‌شناسند -

این اندیشه‌های مدافعه پرور و قدرت پرست در هر زمان باید خود را به قدرتی وابسته نمایند تا بتوانند از این ممر گذران کنند و همچون عشته‌ای ضعیف بردرختی تنآور به بیچندتا چشمها آنها را ببینند ... »

سال جامع علوم اسلامی

بود و مبارزترین فرزندان این مرز و بوم را بخاک و خون کشید - بهشت زهرا، دریاچه نمک قم، صحاری سوزان کویسر لوت همه پرونده‌های زنده‌ئی هستند که کار برد این اسلحه خون آشام را گواهی میدهند - در لایه‌های هر یک از آنها هزاران شهید قهرمان به خواب ابدی فرو رفته است! ...

دومین حرکت امام هفته قبل با اشغال سفارت امریکا و گروگان گیری اعضای آن و تقاضای استرداد شاه آغاز شده است. بدیهی است که سفارتخانه جزئی از خاک کشوری است که سفیر نماینده آنست و اشغال آن بمعنی تصرف خاک دیگری و در واقع اعلان جنگ است. اما ما که سیاستمان مبتنی بر «عوازه منفی» است یعنی نه به مملکتی تجاوز میکنیم و نمیگذاریم که بخاکمان تجاوز شود پس قصد تجاوز بخاک هیچ کشوری نداریم - این حرکت در واقع یک مانور

- امام دومین حرکت انقلابی خود را مثل اولین حرکت باسر سختی آغاز کرده است.

سال گذشته امام بهر کس پیشنهادی برای مصالحه میکرد سرانجام میگفت محمدرضا شاه باید برود - امسال به عکس هر پیشنهادی برای استخلاص گروگانها میشود در آخر میگوید محمدرضا باید مسترد گردد - این دو خواست بظاهر متضاد بیانگر دو حرکت انقلابی امام خمینی است که یک هدف مشترک دارد و آن زیشه کن کردن سرطان امپریالیسم و برگرداندن سلامت به جامعه ایرانی است -

اولین حرکت انقلابی امام به قصد از کار انداختن آلت قتاله‌یی بود که امپریالیسم در دست داشت و بر پیکر هر ایرانی باسرف و آزادمنشی که اراده میکرد فرود میآورد - شامی و شش سال اسلحه‌یی خون آشام در کف امپریالیسم خونخوار

احساساتی است تا به ابرقدرتی فهمانده شود در مقابل های هوئی هم هست . استرداد شاه هدف نهائی امام نیست - شاه حقیرتر از آن شده است که بشخصه هدف انقلاب قرار گیرد ، هدف اصلی امام ریشه کنی امپریالیسم است . ایندفعه اوست که باید برود ...

جوانان پیرو خط امام که دست به این اشغال و گروگان گیری زده اند مدعی هستند که این جا لانه جاسوسی و فساد است ، سفارتخانه نیست تا خاک مملکتی محسوب گردد و اشغال آن تجاوز به آن مملکت نلمداد شود - مدارکی برای اثبات ادعای خود جمع کرده اند که ارائه خواهند داد و تا حال چند مدرک را در روزنامه ها درج نموده اند و در رادیو خوانده شده است

قانون پدیده ئی جادوئی

حرف بر سر حقانیت و حقیقت نیست . کیست که نداند سفارتخانه ابر قدرتهادر سرزمین مستضعفها چیزی جز لانه فساد و جاسوسی نیست . مستبکری و ابر قدرتی پدید نمی آید مگر اینکه مستضعفانی خورده شوند و عقب افتادگانی قربانی گردند - حرف بر سر فورمالیته و مقررات است یعنی رعایت چیزی بنام «قانون» که حدود رسم روابط افراد و کشورها را تعیین میکند . قانون واقعا پدیده ای بفرنج و دوروست . بهشت و جهنمی توام با یکدیگر است . هم کلید توسعه یافتگی و تمدن غرب و هم حربه توحش و استعمارگری آن - به احترام آن بود که سقراط جام شوکران نوشید و مرد و در پناه آنست که گانگستران مافیا در آمریکا با وجود ارتکاب چندین قتل با گردنی افرشته در محافل و مجالس حضور پیدا میکنند و پلیس نمیتواند به آنها چپ نگاه کند - بحکم همین قانون است که سناتور گلدواتر ، جانی بالفطره ای که در بجنوبه جنک ویتنام از دولت خواست بمب اتمی روی ویتنام بیندازد و هفته قبل به کارتر توصیه نمود همه دانشجویان ایرانی را از آمریکا اخراج کند و اگر معاینه طبی دقیق شود بی تردید باید در دارالمجانین نگهداری شود در صورتی سنای آمریکا نشسته و چندسال قبل هم کاندیدای ریاست جمهوری شد و برای مردم آمریکا چاره اندیشی میکند -

امروز ما بحکم قانون به شورای امنیت سازمان ملل متحد شکایت میکنیم و به اتکای آن دولت آمریکا بولهای ما را در بانکهای خود مسدود مینماید - روزی دشمن شماره یک ما انگلستان در دادگاه داوری لاهه بحکم همین قانون حق بجانب ماداد و چند ماه بعد دوست ما امریکاباز به اتکای همین قانون حکومت دکتر مصدق را غیر قانونی دانست و بیست و پنج سال ما را زیر یوغ سیاهترین دیکتاتوری های جهان گذاشت - ملاحظه میکنید این پدیده جادوئی چه زود دشمن را دوست و دوست را دشمن میکند معهذنا با همه دو روئی آن دنیا بفرمائش گردن نهاده است . منتهی از خاصیت موم صفتی و شکل پذیری آن نباید غافل بود ، هر کس به تناسب قدرت سرپنجه خود میتواند بشکلی که میل دارد آنرا درآورد ولی آنچه این شکل را قابل قبول و دنیا پسند میکند میزان قدرت منطق و اندیشه است ، به بیانی ساده زور و پروپاگاندا قانون را موجه یا ناموجه

میکند - ما امروز در پناه قدرت انقلابی خود سفارت امریکا را اشغال کرده ایم و بامدارکی که بدست آورده ایم آنرا از صورت سفارتخانه به لانه جاسوسی و فساد متحول نموده ایم تا این جا برنده ایم . اما اگر این شکلی که به قانون داده ایم نتوانیم با قدرت پروپاگاندا به دنیا بقبولانیم در مدتی کوتاه بازنده میشویم - با آزادی سیاه پوستان و زنان در گروگان ، هم در داخل و هم در خارج کسب وجه نموده ایم - به کار خود جنبه انسانی و مردمی داده ایم و خشم مردم دنیا را کمی فرو نشانده ایم و در داخل هم اثر شوم شعار کیف «روسی یا توسی» را داریم خنثی میکنیم و این پیشرفت بزرگی است .

- با آزادی سیاه پوستان تر مستضعف پروری را برای جهانیان تفسیر کرده ایم و هدف انقلابی خود را تشریح نموده ایم و این برد بسالائی است . الان در حساسترین موقعیت هستیم و در مقطع تاریخی سرنوشت سازی قرار گرفته ایم . اگر وزارت ارشاد ملی و وزارت خارجه بحرکت سریع درنیایند و با تبلیغات وسیع و کوبنده و مستدل حقانیت ما را بدینا اثبات نکنند و با انتشار جزوه ها ، کتابها ، اسلایدها ، فیلمها و ایراد سخنرانی های شورانگیز از دهان جهانیان را به حقانیت ما جلب نمایند و انقلاب مارا که حریفان با پروپاگاندا و خرابکاری های ردیلا نه در حد شورش و بلسوای متعصبان و تاریک اندیشان تنزل داده اند به یک انقلاب واقعی که بعد جهانی میتواند داشته باشد برنگردانند در یک کلام بگویم متلاشی میشویم - مرحله اول انقلاب و راندن خاندان ننگ پرور پهلوی بعد داخلی انقلاب بود و با پیروزی خاتمه یافت . اکنون بعد خارجی آن یعنی مرحله دوم انقلاب و راندن امپریالیسم آغاز شده است - این انقلاب اصلی ماست جایی که باید خون و حرکت و شرف نار کنیم .

- این جاست که وحدت کلمه یعنی آنچه امام تکیه بر آن دارد باید بواقع گراید و روشنفکر و روحانی میباید بازو به بازوی هم دهند - امپریالیسم کهنه کار ، مودی ، بی رحم ، مجهز به علم شیطانی ، توطئه گر و هفت خطا است . اگر در نبرد با او تا کتیکی مانند خودش اختیار نشود غلبه بر او نه فقط مشکل بلکه غیر ممکن است و در یک حرکت سریع و قانونی تارومارمان میکند - حربه برنده و کارگر او همان پدیده بفرنج و جادوئی است که بدان اشاره کردیم ، «قانون» ، قانونی که با آن استعمار و استثمار و استحمار میکند . حربه قاطع دیگر او وسائل ارتباط جمعی فوق العاده مجهزی است که قانون را شکل میدهد و در اذهان حقانیت خود را وارد میکند و مظلومیت خود را میقبولاند ، مظلومیت گر کدر مقابل گوسفند . زمستان سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ را بیاد بیاورید که استعمارگران اروپائی و امریکائی پس از چهار برابر شدن قیمت نفت ، که مانور خودشان بود ، چه مظلومیتی نشان دادند و چه وامهای هنگفتی از ممالک صاحب نفت گرفتند - بانسان دادن مناظر رقت انگیز افرادی که از سرما در تختخوابهای خودشان با لباس های پشمی میخوابیدند و بچه هائی که بر اثر سرما خوردگی در بیمارستانها بستری شده بودند ، افکار عمومی جهان را علیه صاحبان نفت طوری شوراندند که جای استعمارگر و استثمار زده عوض شد اعراب بخصوص همه

شمر ذی الجوشن شدند و ماچنان بهرقت درآمدم که يك
میلیارد دلار به انگلستان وام بی بهره دادیم - اما چیزی
نگذشت که با صرف این وامها در نوسازی صنایعشان چنان
عکس العمل حیوانی شدیدی نشان دادند که ممالک صاحب
نفت اجناس آنها را مجبور بودند به چهار برابر قیمت قبلی
خریداری کنند و آنها که کشاورزی خود کفائی مثل ما
داشتند ، حتی گندمشان را مجبور شدند از ممالک صنعتی
وارد نمایند - ما گذشته از اینکه کشاورزی خود را به
زیر صفر رساندیم و فرهنگ فحشا پرور و گانگستر منش
آنان را پذیرا شدیم و شب و روز اوقاتمان صرف کسب پول
بهر قیمت شد، هشت میلیارد دلار هم فعلا مقروضیم که فرع
سنگین آنرا می پردازیم و حال آنکه از آنچه قرض داده ایم
تقریبا فرعی نمیگیریم -

انقلاب ما به ثمر نرفته

اکنون با اشغال سفارت آنها و گروگان گرفتن
اعضایشان آن مظلومیت کذائی زمستان ۱۹۷۴ در وسائل
ارتباط جمعی آنها در اروپا و آمریکا از کاتال مطبوعات
و شبکه های تلویزیونی صهیونیست ها به اشکال مختلف
منعکس خواهد شد و لگدما ل کردن قانون و خشونت و
تعصب ما را دو چندان که اکنون جلوه میدهند جلوه خواهند
داد . ما باید به تاکتیک خودشان مجهز شویم در همه حال
قانون و کاربرد جهانی آنرا فراموش ننمائیم ، تبلیغات
را فراموش نکنیم که مکمل قانون است، اگر این پروژکتور
نباشد هیچ کار مادیده نمیشود و اگر بلندگوهای ما بصدا
در نیابند دنیا صدای ما را نخواهد شنید و دلائل ما اگر بر
موازین بین المللی منطبق نگردید همه جا محکوم هستیم.
ما متأسفانه تا امروز نتوانسته ایم انقلاب خود را بسبب غربی
در غرب معرفی کنیم - تا سبب تر اینست که در داخل هم
نتوانسته ایم آنطور که باید و شاید ثمرات انقلاب را نشان
دهیم - نباید از حق گذشت ، انقلاب ما به ثمر نرفته و
بیشتر افراد پرتوقع آنرا نمی بینند - آنچه از هر انقلابی
در وهله اول انتظار میرود تغییر معیارها و ارزشهای جامعه
است و امروز در جامعه ما این معیارها و ارزشها کاملاً تغییر
کرده است - امروز ارزش من به اتومبیل نسوگم ،
خانه بزرگم، ویلای کنار دریای خرم، آپارتمان در اروپا
و امریکایم ، و مارک کراوات و کفش و لباسم که از کدام مزون
اروپا و امریکاست نیست - اینها به عکس از قدر و اعتبار
من میکاهد و گاهی سرم را ، از شرمساری بزیر می افتند -
تب ثروت اندوزی فروخته و قناعت دارد کم کم در اذهان
ما خود را وارد میکند - ائتلاف و اسراف فروکش کرده و
در مهمانیهای متوسط که اغلب چهار پنج رقم غذا تهیه
میشد به یکی دو تا تقلیل پیدا نموده است. الان سعی بسیار
در کم درآمد بودن و متوسط زندگی کردن میشود و در صف
مستضعفین درآمدن مد شده است البته این کمی مصنوعی
و اداست، ولی کم کم طبیعی میشود و در سرشت افراد وارد
خواهد شد - افرادی که سابقاً در نقش را کفلر و پل کتی و
پرنس موناکو و آناسیس ظاهر میشدند ، حالا کم کم دارند
خودشان میشوند و زنها دیگر از مزونهای اروپا و امریکا
حرف نمیزنند و از لباس و عطر و کفش و کلاهی که خریده اند
دل هم را نمی سوزانند - استادان شکله ادبیات دیگر وقت



اضافی خود را در استخدام شرکت گوشت نمیگذرانند تا از
حتیوق و لغت و لیسهای هنگفت ، هوس زن بلند پرواز خود
را تسکین بخشند اینها همه تغییر ارزشها و معیارهاست چرا
انصاف نداریم و انقلاب را تخطئه میکنیم ؟ این نارضائیهایی بیشتر
معلول تبلیغات ناص و بی هنری دستگاه تبلیغاتی ماست. اگر
يك دستگاه فعال و هنرمند و آشنا به فن تبلیغ داشتیم هم در
داخل و هم در خارج انقلاب ما را شکوه مند و زبیا جلوه میداد
و نمیکذاشت وسائل ارتباط جمعی اروپا و آمریکا با نشان دادن
صحنه های شلاق زدن و اعدام دسته جمعی و قتل روسپی بدبخت
و کشتار زن آستن و طفل شانزده ساله برانقلاب ما خطاطلان
کشند و ما را تاحد آدمخواران گینه جدید و وحشیان جنگلهای
آمازون و خونخواری بو کاسای در بدر تنزل دهند - نفرین
بادبر روحانیت قشری که با ارتکاب این کارها و کشودن

عقددهای حقارت و محرومیت خود انقلاب را به لجن کشید و یاسنجاق کردن خود به امام بسیاری از خطاهای خود را بحساب آن بزرگوار گذاشت و حال آنکه روح امام از این همه خطا و لغزش بی خبر است - روحانیت قشری برای جلب نظر امام، بهر کاری که ممکن شود دست می زند - فی المثل در میان شعارهای انقلابی که بر درودیوار وزارتخانه ها و ادارات نصب شده، خیلی رندانه، یکی دو حدیث جعلی هم قالب میزند که مثلا شهر قم شهری نظر کرده است و مردمش در زمان ظهور حضرت ولی عصر، مهدی قائم (عج) همه بخشوده میشوند و اصولا حرکت از این شهر آغاز میگردد. طوری موضوع را می پروراند که اذهان مردم ساده و ذودباور امام خمینی و حضرت قائم (بالاتبیه) را یکی می پندارند. هم چنین با مهارت تاریخ هجرت امام خمینی را عنوان میکنند و طوری مطلب گردانده میشود که شباهتی بین هجرت رسول اکرم (ص) از مکه به مدینه و هجرت امام از عراق به فرانسه که هر دو با فتح و ظفر قرین بوده، بذهن متبادر گردد - یا روز همبستگی امام و امت را اختراع میکنند، غافل از اینکه این همبستگی یادآور انقلاب شاه و ملت است که هنوز سامعه انسانرا رنج میدهد!

اینها نمی فهمند که رد پایشان در آنجاها که بوده هنوز برجاست و آبشخور ایشان را صاحب نظران می شناسند - این اندیشه های مدهانه پرور و قدرت پرست در هر زمان باید خود را به قدرتی وابسته نمایند تا بتوانند از این ممر گذران کنند و همچون عقده ای بر درختی تناور بیچند تا چشمها آنها را ببیند - امام با فراست در مقابل این چاپلوسها، روز قدس و جشن یکهزار و چهار صدمین سال هجرت رسول اکرم (ص) را اعلام میکند و آنها را از این فروتنی و طهارت شرمسار میسازد - ولی اینها برای جلب نظر امام مثل هر نشر بی فرهنگی جز تماق و چاپلوسی و بزرگداشت های اغراق آمیز کار دیگری نمیتوانند انجام دهند و من میترسم که در کار اشغال سفارت آمریکا و گروگانها، شاهکار آخری خود را بزنند، و ناگهان یک شب به سفارت آمریکا بروند و دانشجویان پیرو خط امام را بیرون کنند و یک دادگاه انقلابی تشکیل دهند و تمام گروگانها را یک شبه محاکمه کنند و همه را مفسد فی الارض تشخیص دهند و همان شب همه را اعدام کنند. فکر نکنید که اینکار از اینها بعید است. بیشتر اعدامها را بهمین نحو انجام داده اند.

در ایران چه کسی حکومت میکند؟

— اوریا نانا فالاجی در مصاحبه خود با آقای مهندس بازرگان سؤال میکند: آقای مهندس بازرگان در ایران چه کسی حکومت میکند؟ و منظور اوسد بودن راه دولت توسط همین روحانیت قشری است که مانع اجرای تصمیمات هیئت دولت میشوند و این خبرنگار با فراست و شکاف، در مدت اقامت کوتاه خود چه خوب فهمیده که بن بست کار انقلاب کجاست. در مرحله دوم انقلاب روحانیت قشری باید در کنار نگهداشته شود چون اینها بسیاری از اوقات به حرف امام هم گوش نمیدهند، دولت که جای خود دارد. مهندس بازرگان در مصاحبه خود که مملواز صداقت و انسانیت بود خوب گفت: ابلیس کی گذاشت که ما بندگی کنیم!... - احساس میشود که امام در مورد اینها هم ما خود به حیاست و هم مدیون فداکاری های ایشان در گذشته است. لاجرم به صراحت آنها را زنهار نمیدهد ولی تلویحا

خود را جدا از اینها اعلام میکنند از یکماه قبل احساس میشد که امام در حال تمهید مقديه است و اکنون که مبارزه جدی با امپریالیسم آغاز شده است معلوم میگردد که امام برای این حرکت اصلی خود را آماده مینموده است... امام برای آغاز این حرکت از دو طریق ب مردم فهماند که از اوضاع رضایت ندارد و حساب او از حساب روحانیت قشری سواست و انقلاب که از طرف عده ای مارک آمریکائی خورده تعبیری است غلط و همچنان زیر رهبری او در جهت خلاف منافع امپریالیسم به حرکت سازنده خود ادامه میدهد.

— روزنامه «انقلاب اسلامی» بمدیریت ابوالحسن بنی صدر که بیشتر از سایر نزدیکان امام مورد اعتماد اوست شروع کرد به افشاگری گذشته اطرافیان امام و از زبان جوانان سوابق سیاسی آنها را نقل کردن. انتقاد شدید از دولت و حمله به روحانیت قشری و بخصوص لبه تیز حمله متوجه کمیته ها و پاسداران و دادگاه های انقلاب بود - آنها که ارتباط مدیر این روزنامه را با امام میدانستند، تردید نداشتند که این افشاگری بدون مشورت با امام صورت نگرفته است. این يك كانال بود که صدای امام را ب مردم می رساند.

اما طریق دوم که بیشتر صدای امام را میرساند و کمترین ابهامی باقی نمیگذاشت، مصاحبه آقای سید احمد خمینی با یکی از روزنامه های صبح بود. مسلم بود که ایشان بدون اجازه والد بزرگوارشان اقدام به مصاحبه نمیکنند - ایشان در مصاحبه خود به ضرورت تصفیه جامعه روحانیت اشاره نمود و از ضرورت نقش جوانان، بخصوص بانوان در انقلاب سخن گفت. همچنین تا ایجاد يك جامعه اسلامی کشتن افراد رابه علت ارتکاب اعمال منافسی عفت خلاف شرع تشخیص داد و بالاخره مبارزه با آمریکا را در خط اول انقلاب گذاشت و تعجب داشت که چطور دولت با اینکه امام مرتب از غرب زدگی و مبارزه با آمریکا سخن میگوید حرکت مناسبی درین جهت نمی نماید؟ و سرانجام با تاسف بیان داشت که امام درست مثل سال ۱۳۴۲ تنهاست و ضمنا بطور علیحده از آیت اله منتظری سؤال کرد که اگر فقیه اعلم در خارج از ایران بود، ولایت فقیه چه صورتی پیدا خواهد کرد و این سؤال بخوبی نظر امام را در مورد ولایت فقیه روشن مینماید و همه بوضوح معلوم میداشت، این امام است که چنین روشن و لطیف و انسانی می اندیشد - آنوقت انسان متوجه میشد که این روحانیت قشری چه بلائی بر سر امام آورده و این بزرگوار چه تحملی کرده و چه جورى از اینان کشیده است! - تمام کشت و کشتار های مربوط به اعمال منافسی عفت که ما را در دنیا سرشکسته و خوار کرد و انقلاب را در حد شورش و هرج و مرج تنزل داد مربوط به این از خدایی خبران است نه امام!

معلوم شد که چرا امام تنهاست. بدیهی است تنهائی امام تنهائی يك مرد منزوی یا مطرود و رانده شده از سوی خلق نیست - کسی که در قلب توده مردم جای دارد تنهائیست - تنهائی امام اشاره سمبلیکی است به جدائی از روحانیت قشری و افرادی که اتهام وابستگی به آمریکا دارند و من این معنی را طی مقاله ای ماه قبل زیر عنوان «امام تنهاست» نوشتم و به تفصیل توضیح دادم - پیدائی گروه پیرو خط امام تایید دیگری بر جدائی امام از روحانیت قشری و افرادی است که نمیدانند در مبارزه با امپریالیسم آمریکا با امام همگامی کنند تغییر

حرکت روی خط امام (بقیه)

افراد شورای عالی انقلاب و تغییر دولت دلیل روشنی برین مطلب است. از ترکیب دولت جدید و گذاشتن دو وزارتخانه مهم بر عهده آقای بنی صدر معلوم میشود که ایشان بر سایر یاران نزدیک امام پیشی گرفته اند - نخست وزیری هستند که با خفض جناح نام نخست وزیری را مثل بستن کراوات بر خود روا نداشته اند، چون مرحله دوم انقلاب سنگینی آن بیشتر بر دوش ایشانست، بجاست که ایشان در دور نگهداشتن روحانیت قشری از دخالت های ناروا کوشش پی گیر نمایند - درین مرحله از انقلاب که حریف به انواع وسائل ارتباط جمعی و اسلحه قانون مجهز است و مراکز بین المللی با شیطنت دارد علیه ما بسیج میشود نباید کاری کرد که مستمکی بدست جریف داد، کوچکترین حرکت احساسی روحانیت قشری ناجعه ببار خواهد آورد. شایسته است که یک حرکت شدید تبلیغاتی توسط وزارت ارشاد ملی چدر داخل و چدر خارج صورت گیرد و بخصوص در خارج نمایندگی های سیاسی ایران میتوانند موج نفرتی که علیه انقلاب ایران بحرکت آمده با پیش آمد اخیر و مساله گروگانها و آزادی زنان و سیاه پوستان و اصولا مقاومت در مقابل امپریالیزم آمریکا، در جهت مخالف برگردانند و نظر موافق دنیا را بسوی ما جلب کنند، تظاهرات آمریکائیه ها و انگلیسیها و ایرلندیهای مقیم طهران و صدور قطعنامه آنها و ملاقات سربازان از حج برگشته پاکستان با امام و سخنان ارزنده امام با ایشان و مخصوصا بیانات فوق العاده جالب امام با نماینده پاپ همه جای تبلیغات وسیع در سطح جهانی دارد و اگر بوقع انجام نگیرد اثر فاطع نخواهد داشت.

- این دیگر بسته به انتخابی است که خواهید کرد، اجمالا باید یاد آور شد که درین مرحله از انقلاب دانش کار و آگاهی به مسائل جهانی و شناخت احزاب و گروه های چپ و راست جهانی و مراکز بین الملل بیش از احاطه بمسائل مذهبی و عقیدتی نقش سازنده خواهد داشت. آنچه درین مرحله انقلاب ضرورت تام دارد افشای اسامی سرسپردگان ساواک است، چون در دسترس بودن کاغذهای مارک دار و نمونه امضاها و انواع مهر و دفاتر ایندیکاتور و به سهولت میشود هر کس را بخواهند به آن دستگاه وابسته کنند

پیش آمدی که برای دادستان طهران و آقایان دکتر معطفی رحیمی و دکتر اسداله مبشری کرد هشدار جالبی است. من آقای شهشانی را از نزدیک نمی شناسم ولی از هر کس شنیده ام ایشان را مرد با شرفی میدانند، اما آقایان دکتر رحیمی و دکتر مبشری را می شناسم، اینها برای من از پاکترین افرادی هستند که می شناسم - امیدوارم که شما آقای بنی صدر سنگینی تعهد خود را درین مرحله از انقلاب بیش از دیگران احساس کنید و همچنان به انتقادات خود حتی نسبت بشخص امام (هنگام عزل سرتیب رحیمی از طرف دولت و نصب مجدد آن توسط امام) ادامه دهید، تنها شما و آقای مهندس بازرگان را دیده ام که از امام با شهامت انتقاد می کردید، شاید بهمین مناسبت است که امام به ایشان و شما بیش از دیگران ارجح می نهند - این روش را ترک نکنید، توفیق بیشتری خواهید داشت. جای خالی مرحوم طالقانی کاملا محسوس است آنرا با مشاوره امثال آیات اله العظام، دکتر گلزار غفوری، مکارم شیرازی، مجتهد شبستری، و حجتی کرمانی پر کنید و از سطح ندانم کاریهای دست اندر کاران انقلاب بکاهید - شورای انقلاب درست موقعی که جوانان پیرو خط امام گروگان گیری کرده اند تحمّن، اعتصاب و گروگان گیری را محکوم میکند. آقایان مثل اینکه بکلی از مرحله پرتند که چه در مملکت میگذرد و دنیا بکار ما چطور با دقت و خرد گیری می نگرند و از یک تصمیم نابجای ما چطور اتخانند می کند... اگر میخواهید به انقلاب بعد جهانی دهید از گفتگو و مذاکره (دیالوگ) با کد داشته باشید در مورد گروگانها بالاخره راه حلی باید یافت شود، این توفیق جز با گفتگو عملی نیست. دنیای غرب امروز در جستجوی یک بعد معنوی است، اگر هدف نهائی انقلاب که احیای این بعد متعالی است از تعصبات قشریون محسوس میماند و اسلام را در قالبی متناسب این عصر میریخت و هوشمندانه عرضه مینمود و مسجد و دانشگاه بمبارزه بر نمیخواستند مادر صحنه بین المللی موقعیتی دیگر داشتیم و امروز بجای موج وحشت موج رغبت می آنگیختیم. هنوز دیر نشده، پیش آمد اخیر اگر با درایت عمل شود و حرکات بعدی در سطح حرکتی باشد که در مورد آزادی گروگانهای زن و سیاه پوستان انجام گرفت، جای امید بسیار است.

پرتال جامع علوم انسانی

